

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

از مباحث گذشته معلوم شد که در باب اعیان نجسه، دلیل عامی که بر حرمت تکسب به اعیان نجسه دلالت کند نداریم و نسبت به حرمت اخذ ثمن، یک روایت وجود داشت، اما آن روایت هم به نحو عمومیت بر مدعی دلالت نداشت، آن روایت هم فقط بر حرمت اخذ ثمن خمر و ثمن خنزیر و ثمن کلب دلالت داشت. بعد از این که به نحو کلی این بحث را مطرح کردیم، حالا وارد مواردی که مرحوم شیخ در مکاسب مطرح کرده اند می شویم یکی یکی اینها را باید بررسی کنیم و مباحث آن را متعرض شویم.

معاوضه بر ابوال

اولین مساله ای که شیخ مطرح می کنند بحث معاوضه روی ابوال است. در بحث ابوال، مجموعاً سه عنوان بحث داریم: یکی در «ابوال ما لا یؤکل لحمه» بول حیوانی که غیر ماکول اللحم است، دوم ابوال حیوان ماکول اللحم که مشهور قائلند به اینکه بول حیوان ماکول اللحم طاهر است و نجس نیست. و سوم بحث در خصوص بول ابل است. باید بحث کنیم که آیا معامله روی خصوص ابوال - حالا چه بول غیر ماکول اللحم، چه بول حیوان ماکول اللحم و همچنین بول ابل - حلال است یا حرام؟ و باز تاکید می کنم مقصود حرمت تکلیفیه است که اگر کسی بولی را فروخت آیا نفس این فروش بول، حرام است یا خیر؟

حرمت معاوضه بول غیر ماکول اللحم و ادله مرحوم شیخ انصاری

ملاحظه فرمودید که مرحوم شیخ انصاری (أعلی الله مقامه الشریف) در کتاب مکاسب فرموده اند که معاوضه روی بول حیوان غیر ماکول اللحم حرام است و حرمت تکلیفیه دارد، سه دلیل بر آن اقامه کرده اند: دلیل اول: حرمت خود این اعیان نجسه است که شرب بول حیوان غیر ماکول اللحم حرام است و چون شربش حرام است بگوییم معاوضه این هم حرام است.

دلیل دوم: نجاست این ابوال غیر ماکول اللحم است. و دلیل سومی که شیخ اقامه فرموده اند «لعدم الانتفاع به منفعة محللة مقصودة» منفعة محللة مقصودة ندارد. عبارت شیخ این بود «یحرم المعاوضة» در عبارت شیخ کلمه معاوضه هم دارد، یعنی در بیع و اجاره و رهن و هبه و هر چیزی که عنوان معاوضه را دارد. «یحرم المعاوضة علی بول غیر ماکول اللحم بلا خلاف ظاهر» یک دلیل اجماع و عدم خلاف است، بعد از اینکه ادعای اجماع فرمودند سه دلیل آورده اند لحرمت و نجاست و عدم الانتفاع به منفعة محللة مقصودة.

«فیما عدا بعض افراد» که در چند جلسه قبل عرض کردیم که بین محشین مثل مرحوم ایروانی و بقیه محشین مکاسب در این که این استثناء از چه چیز استثناء می شود اختلاف است؟ یک احتمال این بود که این استثناء از یحرم المعاوضه فی ما عدا بعض افراد کبول ابل الجلاله او الموطوءة» یک احتمال هم این بود که بگوییم فیما عدا بعض افراد، استثناء از عدم الانتفاع است، که می خواهد بفرماید در ابوال، هیچ بولی منفعت محله مقصوده ندارد الا بعضی از افرادش که بول ابل جلاله یا موطوءه باشد و نکاتی که در این استثناء بود قبلاً اشاره کردیم. حالا در اینجا بحثمان متمرکز است روی اینکه بول حیوان غیر ماکول اللحم که قطعاً نجس است به چه دلیلی معامله روی آن حرام می شود؟ مرحوم شیخ به حرمت استدلال کرده اند، ما قبلاً گفتیم که نمی توانیم بگوییم اگر چیزی حرام است حتماً معامله روی آن هم حتماً باید حرام باشد، ملازمه ای بین این دو نیست مگر اینکه کسی آن روایت معروف نبوی را بپذیرد که «ان الله اذا حرم شيء حرم ثمنه».

کلام مرحوم نائینی (ره)

وقتی به کتاب منیه الطالب مرحوم نائینی علیه الرحمة جلد اول مراجعه می کنیم، مرحوم نائینی نظر کلی دارند، ایشان می فرمایند تکسب به اعیان نجسه، هر عینی می خواهد باشد ماکول اللحم یا غیرماکول اللحم، عین نجسه جامد باشد یا مایع، ایشان می فرماید تکسب به اینها مطلقاً حرام است، بیع باشد یا غیر بیع، دلیل عمده مرحوم نائینی عمل به همین روایت نبوی معروف است که «ان الله اذا حرم شيء حرم ثمنه» ایشان این روایت را نپذیرفته اند و این روایت را هم مطلق معنا می کنند ان الله اذا حرم شيئاً (یعنی ولو شربش یا اکلش حرام باشد) حرم ثمنه، نتیجه گرفته اند که حرمت معامله روی اعیان نجسه، فقط از باب حرمت این اعیان نجسه است.

در نتیجه از عبارت منیه الطالب استفاده می شود خود نجاست بماهی دلیل بر حرمت معامله نیست. از عبارت نائینی (ره) استفاده می شود بخاطر عدم الانتفاع هم نمی توانیم بگوییم معامله روی اینها حرام است، حتی در باب عذر می فرماید: عذر با اینکه منافع زیادی دارد، هم منفعت اهم و هم اعم دارد، اکثر مردم هم از آن استفاده می کنند، ولی معامله روی آن حرام است. یعنی طبق نظر شریف ایشان ممکن است کسی برود عذر ای را بیاورد و استفاده های فراوانی کند اما صرف اینکه چیزی انتفاع عقلائی دارد دلیل بر جواز تکسب نمی شود، می فرماید چون اکل و شرب آن حرام است «ان الله اذا حرم شيئاً حرم ثمنه» □

خب این روایت را قبلاً ما سندش را مفصل بحث کردیم و گفتیم که این روایت از نظر متنی در بعضی از نسخ دارد «ان الله اذا حرم شيء حرم ثمنه» و در بعضی نسخ دارد «ان الله اذا حرم اكل شيء حرم ثمنه». در باب ابوال ما لا یؤکل لحمه، که هم نجس است و هم حرمت اکل و شرب دارد، اگر کسی سند این روایت را پذیرفت و ما وقتی امام به این روایت استدلال کردند گفتیم که ثمن اصلاً عنوان مشیر بر خود معامله است نه برای ثمن در مقابل مثنی، اگر کسی سند این روایت را بپذیرد استدلال برای این روایت تام است، یعنی ما باید در شریعت قائل شویم بر اینکه اگر چیزی حرام شد یا مطلقاً یا طبق آن نسخه حرمت اکل یا شرب آن، معامله روی آن حرام است و عرض کردیم مرحوم محقق نائینی به همین اطلاق استدلال فرموده.

کلام مرحوم محقق (ره)

مرحوم صاحب جواهر در جلد 22 جواهر ص 17 به بعد این بحث را عنوان فرموده اند - می دانید که جواهر شرح بر کلام مرحوم محقق است - مرحوم محقق در شرائع می فرمایند معاملات محرّمه انواعی دارد، یکی از انواعش اعیان نجسه است و در ضمن اعیان نجسه می فرماید «فی الدم و الارواث و ابوال ما لا یأکل لحمه» یعنی معامله روی خون، عذر و ابوال حیوان غیر ماکول اللحم، می فرماید اینها معامله اش حرام است و بعد فرمود «وربما قيل بتحريم ابوال كلها» بعضی ها قائل شده اند به اینکه ابوال تماماً حرام است ولی بول ابل را استثناء کرده اند. بعد خود مرحوم محقق فرمودند «و الاول أشبه» یعنی اینکه بگوییم

معامله روی غیر ماکول اللحم حرام است اما معامله روی بول حیوان ماکول اللحم حرام نیست اشبه است، یعنی اشبه به قواعد مذهب و ادله است.

فرمایش مرحوم صاحب جواهر(ره)

وقتی ما در شرح این عبارت محقق، عبارت صاحب جواهر را می بینیم، صاحب جواهر در مورد ابوال غیر ماکول اللحم دلیلی که آورده اند این است. «قد أخرجہ الشارع عن حکم التمول» شارع اعتباراً بول غیر ماکول اللحم را از مالیت خارج کرده است، یعنی همین که شارع فرموده حرام است با حکم به نجاست، بول حیوان غیر ماکول اللحم را از مالیت ساقط کرده است، و بعد فرموده «وقد عرفت عدم جواز الانتفاع بها علی وجه التجوز التکسب بها» انتفاع به این ابوال غیر ماکول اللحم جایز نیست، فرموده «بلا خلاف معتد به» در حرمت معامله روی بول حیوان غیر ماکول اللحم بین فقها خلافي نیست، و بالاتر فرموده «بل الاجماع بقسمین»، اجماع داریم هم محصل و هم منقول،

بعد فرمود «بل المنقول منهما مستفیض» - که اینها نکات اجتهادی است که ایشان به ما یاد می دهد که ببینیم اجماع محصل و منقول داریم یا نه؟ آیا اجماع منقول فقط منقول به خبر واحد است یا مستفیض است؟ فرموده اجماعش مستفیض است - در ادامه فرموده «بل هي (یعنی عذر و الابوال و الدماء) لیست من المتمولات عرفاً» صاحب جواهر ابتدا فرمود که شارع بول حیوان غیر ماکول اللحم را از مالیت انداخته است. «أخرجہ الشارع» معنایش این است که این عرفاً مالیت دارد اما شارع این را از مالیت انداخته، در باب خمر، خمر عرفاً مالیت دارد در خیلی از جاهای دنیا خرید و فروش می کنند اما شارع مقدس مالیت خمر را الغاء کرده. در اینجا اول فرموده بول را شارع از مالیت خارج کرده، اما در آخر فرموده «لیست من المتمولات عرفاً» بول حیوان غیر ماکول اللحم چون نجس است عرفاً مالیت ندارد، و صاحب جواهر یک شواهدی هم بر عدم مالیت آورده، فرموده اگر کسی صاحب حیوان غیر ماکول اللحم است، دیگری بیاید بول او را غصب کند یا سرقت کند یا دور بریزد و از بین ببرد، هیچ فقهی نمی گوید غصب محقق است. غصب آنجایی است که مالیت باشد یا مسئله سرقت و ضمان را مطرح کنند، در باب ضمان می گوئیم «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» این عنوان مالیت را ندارد.

بررسی کلام صاحب جواهر(ره)

این کلام صاحب جواهر است در بول حیوان غیر ماکول اللحم، صاحب جواهر به حرمت استدلال نکرده، نفرموده چون بول حیوان غیر ماکول اللحم حرام است پس معامله روی بول او حرام است، به نجاست هم استدلال نکرده، بلکه هم به عدم الانتفاع (که یک منفعت محله مقصوده ندارد) استدلال کرده و هم به اینکه شارع آن را از مالیت خارج کرده. ممکن است بفرمایید شارع به دلیل نجاست، از مالیت خارج کرده، شاید صاحب جواهر هم نظرش این است که چون نجس است معامله روی این درست نیست. ما در جواب می گوئیم ملازمه نیست، شارع در بعضی از موارد حکم به نجاست کرده اما آن نجاست سبب نمی شود که از مالیت عرفیه خارج شود. عذر حیوان غیر ماکول اللحم نجس است اما شارع آن را از مالیت خارج نکرده، ما نمی توانیم بگوئیم که در فقه ملازمه است که اگر چیزی نجس شد پس از مالیت خارج است، خود دم نجس است اما این دم با حکم به نجاست نمی توانیم بگوئیم شارع از مالیت خارج کرده.

عدم تلازم میان نجاست و حرمت

این نکته مهمی است، شاید در ذهن خیلی از آقایان این باشد که چون چیزی نجس شد پس بگوییم شرعاً مالیت ندارد، این دو عنوان است، صاحب جواهر هم چه بسا به این نکته توجه داشته اند که نفرویده اند بول حیوان غیر ماکول اللحم به خاطر نجاست معامله روی آن حرام است بلکه روی اخراج عن المالیه تکیه می کنند.

آن وقت سؤال از صاحب جواهر این است که شما به چه دلیل می گوید که شارع بول حیوان غیر ماکول اللحم را از مالیت خارج کرده است؟ اگر بفرمایید به خاطر نجاست، ما گفتیم نجاست ملازمه با این ندارد. پس بهترین بیان همانی است که ایشان اضراب هم کرده است، بگوییم بول حیوان غیر ماکول اللحم عرفاً مالیت ندارد.

و از این جهت است که معامله روی او حرام است. صاحب جواهر در مسأله بول حیوان غیر ماکول اللحم غیر از مسأله اجماع و غیر از مسأله ادعای عدم خلاف که می فرماید به حرمت و نجاست استناد نکرده اند بلکه به سه عنوان دیگر استدلال می کنند: 1- خروج از مالیت شرعیه 2- عدم انتفاع منفعت محلله مقصوده 3- اینکه مالیت عرفیه ندارد. بحث ما این است که اگر اجماع را کنار گذاشتیم که کنار هم نمی گذاریم، می خواهیم ببینیم با قطع نظر از اجماع اگر چیزی مالیت عرفیه نداشته باشد که عرف اصلاً این را مال نمی داند، آیا این موجب بطلان معامله است یا موجب تحریم معامله؟ اگر گفتیم چیزی مالیت ندارد یا چیزی منفعت محلله مقصوده ندارد، این سبب می شود بگوییم معامله باطل است این را قبول داریم.

نظر استاد

به نظر ما هیچ یک از این ادله، یعنی نجاست یا عدم تمول شرعی یا عدم تمول عرفی، سبب حرمت البیع یا حرمت معامله نمی شود، فقط دو راه باقی می ماند یکی اجماع و یکی هم بیان محقق نائینی، بگوییم « ان الله اذا حرم شيء حرم ثمنه » قبلاً آمدیم گفتیم این روایت ظهور در حرمت وضعی دارد، بنابر این در ابوال ما لا یؤکل لحمه، در همه ادله آن نقاش وجود دارد الا در مسئله اجماع که اجماع هم به خوبی وجود دارد، در ابوال ما لا یؤکل لحمه هیچ فقیهی فتوای به جواز تکسب نداده است.

تا اینجا ابوال ما لا یأکل لحمه تمام می شود و باقی می ماند ابوال طاهره یعنی ابوال ما یؤکل لحمه که مشهور قائلند بول حیوان ماکول اللحم طاهر و همچنین بول ابل. آقایان نظر صاحب جواهر را در ابوال طاهره با دلیلی که صاحب جواهر آورده در یک صفحه یادداشت کنید. چون آشنا شدن با دلایل مرحوم جواهر انسان را با فقه آشنا می کند. اگر کسی بتواند ادله صاحب جواهر را خوب تحلیل کند این خیلی از راه را طی کرده است.

و صل الله علی سیدنا محمد وآله الطاهرين.